

برآورد سیاست‌های تحریمی کنگره آمریکا در دوران پسابرجام

مصطفی دلاورپور اقدام^۱ - سید جلال دهقانی فیروزآبادی^۲

دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۱

چکیده

مهار برنامه‌های هسته‌ای، موشکی و فضایی ایران، تحرکات منطقه‌ای ایران برای مبارزه با تروریسم تکفیری، تفسیرهای دوگانه آمریکا از تروریسم و حقوق بشر، گسترش لابی‌گری ایپیک در کنگره و حمایت ایران از جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه موجب شدند قانونگذاران آمریکا تا پیش از برجام، به سمت تصویب تحریم‌های جامع گام بردارند. مهم‌ترین اولویت جمهوری اسلامی ایران در پذیرش برجام، ترمیم اقتصاد و معیشت کشور و کاهش بار ایران‌هراسی از دریچه تعدیل تحریم‌ها بود. به همین دلیل دیپلماسی اجبار صدوپانزدهمین کنگره آمریکا به سمت ناکارآمدسازی دیپلماسی اقتصادی، تجاری و بانکی جمهوری اسلامی ایران، تحدید توان موشکی سپاه پاسداران و مهندسی ترتیبات منطقه‌ای از طریق متراکم‌سازی، تجمع و هوشمندسازی تحریم‌های غیرهسته‌ای متمایل شده است. مهم‌ترین نوآوری مقاله این است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با کمک جمع‌آوری اطلاعات از طریق اسنادی و کتابخانه‌ای، ضمن مطالعه تطبیقی سیاست‌های تحریمی کنگره در دوران قبل و پسابرجام، در پایان راه‌کارهایی را برای مقابله با دیپلماسی اجبار کنگره پیشنهاد داده است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی اجبار، کنگره آمریکا، برجام، تروریسم، تحریم‌های غیرهسته‌ای

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
delavarpour110@gmail.com

۲. استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی
dehghani@atu.ac.ir

مقدمه

با وقوع انقلاب اسلامی و به ویژه بحران گروگانگیری، روابط ایران و آمریکا وارد مرحله پرتنش و بی‌اعتمادی گردید. از آن زمان تحریم به یک ابزار سکنداران سیاست خارجی آمریکا برای اعمال فشار بر ایران تبدیل می‌شود، منتهی در هر دوره استفاده از آن با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. به عبارتی «تهدید، تحریم و مهار» همواره ۳ گزینه‌ای بوده‌اند که همواره مورد استفاده دولتمردان و قانونگذاران آمریکا قرار گرفته ولی عیار هر یک از آنها در برش‌های زمانی مختلف متفاوت بوده است. در این میان راهبرد کنگره نیز از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا لوایح تحریمی باید در هر دو مجلس نمایندگان و سنای آمریکا مصوب شوند. به همین دلیل در این تحقیق با مطالعه تطبیقی سیاست‌های تحریمی آمریکا در قبل و پس‌ابرجام، به ارزیابی تحریم‌های آتی کنگره آمریکا پرداخته شده است.

بیان مساله

یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی آمریکا بویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم، استفاده مکرر قانون‌گذاران و رؤسای جمهور آمریکا از اهرم تحریم برای دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی بوده است. استفاده از ابزار تحریم در سیاست خارجی آمریکا به حدی افزایش یافته است که برخی محققان روابط بین‌الملل از آن با عنوان «اپیدمی تحریم»^۱ یا «جنون تحریم»^۲ نام می‌برند (Helms, 1999: 2). برای مثال از ۱۰۷ تحریم اقتصادی اعمال شده بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰، در ۷۴ مورد آمریکا مشارکت داشته و پس از آن انگلیس با سیزده و شوروی با یازده مورد در جایگاه بعدی قرار داشته‌اند (علیخانی، ۱۳۷۸: ۴۰-۳۴).

پس از پایان جنگ سرد، استفاده از گزینه تحریم در میان سکنداران کاخ سفید و کنگره افزایش یافته است. نظریه‌پردازان حامی تحریم بر این باورند که تحریم‌ها به عنوان یک اهرم تنبیهی در روابط بین‌الملل، نقش مهمی را در تغییر رفتار بازیگران مخالف ایفا می‌کنند (Selden, 1999: 7). به طوری که با ورود به هزاره سوم میلادی، سلاح تحریم در حال گذار به مهمترین ابزار کنگره برای تغییر رفتار کشوری معین محسوب می‌شود (Pifer, 2017: 1). جایگاه تحریم در سیاست خارجی کنگره به حدی تقویت شده است که رژیم صهیونیستی به منظور همراه‌سازی قانون‌گذاران کنگره با اعمال تحریم‌های گسترده علیه جمهوری اسلامی، لابی‌هایی را برای

1. Sanction Epidemic
2. Sanction Frenzy

تقویت پل‌های ارتباطی با آنان ایجاد کرده است.

با وقوع حوادث یازده سپتامبر و افزایش اهمیت مبارزه با تروریسم در ساختار سیاست خارجی آمریکا، قانون‌گذاران امریکایی یا ادبیات مقابله پیش‌دستانه با تروریسم بین‌الملل و تروریسم نیابتی، تحریم‌های جدیدی را علیه بازیگران مخالف خود تصویب می‌کنند. با شکل‌گیری بهار عربی در خاورمیانه، کنگره تلاش می‌کند با اهرم مقابله با نقش بی‌ثبات‌کننده ایران در خاورمیانه، دامنه تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران را گسترش دهد.

حامیان گزینه تحریم بر این باورند که دولت‌ها بازیگرانی عقلانی و به دنبال بیشینه‌سازی مطلوبیت خود هستند و در چنین شرایطی اگر مقداری هزینه به آنها تحمیل شود، در رفتار خود تجدید نظر می‌کنند (Lalwani & winter-Levy, 2016:16).

به منظور برآورد تحریم‌ها در دوران پسابرجام، لازم است نهادهای ذی‌ربط اشراف دقیقی نسبت به آرایش تحریم‌ها داشته باشند. در حال حاضر کنگره آمریکا به عنوان مهمترین کانون تولید تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود و بیشترین کارشکنی‌ها برای تحدید انتفاع اقتصادی - بانکی ایران از برجام، توسط کنگره سازماندهی می‌شود.

بررسی پیش‌نویس لوایح تحریمی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران در کنگره صد و پانزدهم (۲۰۱۸ - ۲۰۱۷) نشان می‌دهد که تمامی آنها پیشتر در کنگره صد و چهاردهم (۲۰۱۶ - ۲۰۱۵) مطرح شده‌اند.^۱ با توجه به اینکه تحریم‌های پسابرجامی آمریکا، بخش‌های مختلفی را در جمهوری اسلامی ایران هدف‌گذاری کرده است، این احتمال وجود دارد که در آینده نزدیک تفسیرهای متفاوت داخلی از نقض برجام توسط آمریکا افزایش یابد.

۲ هدف اصلی: مهم‌ترین هدف این مقاله، ارائه تصویر دقیقی از آرایش تحریم‌های کنگره در دوران قبل و پسابرجام است.

۳-۱. سؤال تحقیق: در دوران پسابرجام، روند تحریم‌های کنگره به چه سمتی حرکت کرده است.

۴-۱. فرضیه تحقیق: کنگره آمریکا در دوران پسابرجام در چارچوب نظریه دیپلماسی اجبار، به

سمت هوشمندسازی و متراکم‌سازی تحریم‌های غیرهسته‌ای و تحدید انتفاع اقتصادی و بانکی ایران گام برمی‌دارد.

۵-۱. روش تحقیق و گردآوری داده‌ها: بخش قابل توجهی از استنادات این مقاله با رجوع به

اسناد اولیه وزارت خارجه و خزانه‌داری آمریکا، کتابخانه کنگره، گزارش‌های مرکز تحقیقات

کنگره، پایش جلسات استماع، بررسی مفاد قوانین و لوایح تحریمی مرتبط با ایران و مطالعه مقالات و کتاب‌های مرتبط با دیپلماسی اجبار به دست آمده است. به عبارتی این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق اسنادی و کتابخانه‌ای است.

چارچوب نظری تحقیق

تحریم‌های کنگره آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در ۲ مقطع قبل و پس‌ابرجام، در قالب نظریه دیپلماسی اجبار قابل تحلیل است. دیپلماسی، به مفهوم هنر برقراری ارتباط با سایر کشورهاست (ظریف، ۱۳۹۱). اغلب کشورهای جهان می‌کوشند آن دسته از اهداف خود را که به نیروی نظامی نیاز دارند، نه از طریق جنگ بلکه با تهدید تأمین کنند (Waltz, 2004: 2). دیپلماسی اجبار، ترکیب هوشمندانه ۲ گزینه تهدید و دیپلماسی است. موفقیت در بازدارندگی به معنای عدم حمله به کشور است ولی موفقیت دیپلماسی اجبار به میزان تغییر رفتار کشور هدف بستگی دارد.

بر اساس نظریه دیپلماسی اجبار، کشور تهدیدکننده با هزینه‌های روانی، سیاسی و مالی کمتر از تهاجم نظامی، به اهداف خود می‌رسند (امینان، ۱۳۸۶: ۱۴). در این نوع دیپلماسی، هویج‌ها وجود دارند اما چماق‌ها بیشتر و شامل تحریم‌های اقتصادی و تهدید به استفاده از نیروی نظامی اند (Art, 2003: 125).

استفاده از دیپلماسی اجبار، زمانی است که هزینه‌های پذیرفتن درخواست دولت اجبارکننده و همچنین فواید پذیرش آنها برای دولت هدف بیش از فواید پایداری در برابر دولت تهدیدکننده باشد. دیپلماسی اجبار در برابر لیبی موفق ولی در برابر کره شمالی ناکام بود (Sechser, 2017: 52). هر چند در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ و پس از دستیابی پیونگ یانگ به بمب هیدروژنی، دوباره گسل‌های دیپلماسی اجبار در برابر کره شمالی فعال شده‌اند.^۱

مهمترین ملزومات موفقیت دیپلماسی اجبار عبارتند از:

ارائه زمان مناسب به کشور هدف: کشور هدف باید متقاعد شود فرصت کمی برای اجرای درخواست دارد، البته دولت اجبارکننده بایستی زمان منطقی برای اجابت درخواست‌هایش را بدهد (Alexander, 1992: 81).

اعتبار تهدید: براساس «اصل اعتبار اجبارآمیز»^۲، دیپلماسی اجبار هنگامی موفق است که سیاست‌گذاران و حکمرانان کشور هدف در برآورد تهدیدات، به این یقین برسند که عدم تمکین

۱. نک: <http://www.businessinsider.com>

به درخواست دولت یا دولت‌های اجبارکننده، تبعات ناگوار و جبران ناپذیری را به کشور تحمیل می‌کند (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۱).

اجرای تحریم‌های فراگیر و هوشمند: دیپلماسی اجبار هنگامی از اثربخشی لازم برخوردار است که تحریم‌های هوشمند و گسترده‌ای علیه بازیگر هدف، اعمال شود (Bruce, 2005: 19). تحریم‌ها در چارچوب دیپلماسی اجبار بر ۵ اصل فلج‌سازی، تعمیم، هوشمندسازی، تجمع تهدیدات و اجماع‌سازی استوارند (دل‌اورپوراقدم، ۱۳۹۶: ۴۶). در اصل هوشمندسازی، شناسایی و تحریم بخش‌های آسیب‌پذیر کشور هدف مورد توجه قرار می‌گیرد. در همین چارچوب، «ماتیو مک اینیس»^۱، «ماتیو لویت»^۲، «تیموتی گایتتر»^۳ و «دیوید کوهن»^۴ از حامیان هوشمندسازی تحریم‌های اقتصادی به سمت بخش انرژی و بانک مرکزی‌اند (Mcinnis, 2015: 48).

بر اساس اصل همراه‌سازی، آمریکا با مشارکت متحدانش در اتحادیه اروپا و شرق آسیا، تلاش می‌کند شعاع جغرافیایی تحریم‌ها را گسترش دهد. اصل تجمع تهدیدها نیز به مفهوم اعمال محدودیت‌های هم‌زمان علیه بخش‌های اقتصادی، بانکی، صنایع نظامی و انرژی است. بر اساس اصل تعمیم، کشور تهدیدکننده به سمت گسترش ابعاد تحریم گام برمی‌دارد (دل‌اورپوراقدم، ۱۳۹۴: ۸۵). برای مثال تا قبل از برجام، تحریم کالاها و فن‌آوری‌های دو منظوره جمهوری اسلامی ایران با توجه مقابله پیش‌دستانه با تسلیحات هسته‌ای، بر اساس اصل تعمیم انجام می‌شد. تناسب: باید بین وزن امتیازات درخواستی دولت اجبارکننده با وزن امتیازات ارائه شده به بازیگر هدف، «تناسب»^۳ برقرار باشد.

ارائه امتیازات متقابل: در دیپلماسی اجبار در قبال تقاضای دولت تهدیدکننده، باید امتیازاتی را به بازیگر هدف داده شود تا مطلوبیت اجرای آن برای بازیگر هدف افزایش یابد. امتیازات ارائه شده به بازیگر هدف نباید آنچنان طولانی یا در قبال آن کارشکنی شود تا بازیگر هدف از تداوم اجرای درخواست دولت اجبارکننده منصرف شود. از طرفی، دولت اجبارکننده باید به کشور هدف، اطمینان بدهد که اجرای تعهدات توافق شده، به افزایش تقاضاها در آینده منتهی نمی‌شود (Bruce, 2006: 59).

ترکیب تهدید و گفتگو: یکی دیگر از شاخص‌های دیپلماسی اجبار، تهدید به استفاده از گزینه نظامی قبل و حین مذاکرات است تا بیشترین امتیاز از کشور هدف دریافت شود.^۴

1. Mr. J. Matthew McInnis
2. Matthew Levitt
3. Proportionality

۴. نک: <https://definitions.uslegal.com>.

وجود ضعف‌های داخلی در کشور هدف: دیپلماسی اجبار هنگامی از اثربخشی لازم برخوردار است که مقاومت اقتصادی کشور تهدید شده در برابر تحریم‌ها شکننده و آسیب‌پذیر باشد. سازماندهی جنگ تبلیغاتی علیه کشور هدف: یکی از ملزومات موفقیت دیپلماسی اجبار، همراه‌سازی افکار عمومی با اعمال تحریم‌های گسترده علیه کشور هدف است. برای مثال گسترش ایران‌هراسی در ۳ سطح سپاه‌هراسی، ارائه اخبار انحرافی از ابعاد و اهداف برنامه‌های موشکی و ادعای تشکیل هلال شیعہ، ۳ ابزار تبلیغاتی امریکا برای همراه‌سازی افکار عمومی با تحریم‌ها محسوب می‌شود (Afrasiabi, 2012: 125).

تمرکز بر تغییر رفتار به جای تغییر رژیم سیاسی: دولت هدف باید به این یقین برسد که مقصود دولت یا دولت‌های اجبارکننده، فقط به «تغییر رفتار» منحصر شده است و آنان قصدی برای تغییر ماهیت رژیم ندارند. در همین رابطه می‌توان به عدم کارایی دیپلماسی اجبار آمریکا در برابر عراق اشاره کرد. در حالیکه وضعیت اقتصادی ناگوار عراق و اعمال شدید تحریم‌های یکجانبه آمریکا در کنار تحریم‌های چندجانبه شورای امنیت سازمان ملل، می‌توانست زمینه را برای کسب موفقیت دیپلماسی اجبار فراهم کند ولی در ذهن صدام، این انگاره نقش بسته بود که دولت آمریکا به دنبال تغییر نظام سیاسی حزب بعث است. به همین دلیل در برابر فشار تحریم‌ها مقاومت می‌کرد (Alterman, 2003: 8).

روندکاوی تحریم‌های کنگره امریکا تا قبل از برجام

محور تبلیغاتی کنگره امریکا برای تحریم جمهوری اسلامی ایران تا قبل از امضای برجام به ترتیب زمانی عبارتند از: الف- تسخیر لانه جاسوسی امریکا؛ ب- صدور انقلاب اسلامی به سایر کشورها؛ پ- حمایت از جنبش‌های آزادی بخش منطقه بویژه حزب الله لبنان و حماس (Nacos, 1995: 18)؛ ت- مشارکت در شبکه تروریسم بین‌الملل؛ ث- برنامه‌ریزی برای اکتساب، انباشت، ساخت و اشاعه تسلیحات اتمی؛ ج- نقض حقوق بشر؛ چ- تلاش ایران برای ساخت موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای؛ ح- دور زدن تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل؛ خ- حمایت از بشار اسد؛ د- فعالیت‌های امنیتی و اطلاعاتی حزب الله لبنان و سپاه قدس در امریکای لاتین؛ - پولشویی (Zarate, 2013: 95).

مهم‌ترین مصوبات کنگره امریکا تا قبل از امضای برجام که با استناد به آنها، تحریم‌های یازده‌گانه بالا علیه جمهوری اسلامی اعمال شده است، عبارتند از:

تحریم‌های ایران و عراق در سال ۱۹۹۲؛ تحریم‌های ایران و لیبی مصوب سال ۱۹۹۶؛ تحریم‌ها، مسئولیت‌پذیری و محروم‌سازی ایران مصوب سال ۲۰۱۰؛ قانون حقوق بشر سوریه و کاهش تهدیدات ایران (Hass, 2012: 325).

واشنگتن در دهه اول انقلاب متأثر از فشار افکار عمومی داخل آمریکا به دلیل تسخیر لانه جاسوسی، شکل‌گیری حزب الله لبنان، ارائه نظریه ام‌القرای جهان شیعه و تداعی ارتباط ایران با انفجار مقر تفنگ‌داران نیروی دریایی آمریکا در بیروت، تحریم‌های خود را با ادبیات مبارزه با تروریسم توجیه می‌کرد. حتی بلوکه کردن دارایی‌های ایران در آمریکا و تحریم‌های تجاری نیز در قالب مبارزه با تروریسم انجام می‌شد. این نوع تحریم‌ها با رویکرد انعکاس تصویری خشن و هنجارشکن از جمهوری اسلامی ایران پیگیری می‌شدند (Katzman, 2009: 16).

وزارت امور خارجه آمریکا از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۴ نیز به اتهام نقش هدایت‌گری ایران در انفجار اکتبر ۱۹۸۳ پایگاه دریایی آمریکا در بیروت با مشارکت حزب الله لبنان، جمهوری اسلامی ایران را در فهرست حامیان تروریست قرار داد.^۱ این تحریم‌ها شامل اعمال برخی محدودیت‌ها برای کالاهای دو منظوره، ممنوعیت کمک‌های خارجی آمریکا و مخالفت با اعطای تسهیلات نهادهای بین‌المللی مالی - بانکی بود.

در دهه آخر قرن بیستم، سیاست‌های تحریمی کنگره بیشتر به سمت مهار دو گانه ایران و عراق متمرکز می‌شود (Fayazmanesh, 2008: 38).

در دهه اول قرن بیست و یکم، اغتشاشات چین و پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، نقطه عطفی در تصاعد تحریم‌های حقوق بشری کنگره آمریکا محسوب می‌شود (Ilias, 2010: 26). به طوری که در کنگره صدودوازدهم و صدوسیزدهم، قوانین تحریمی متعددی علیه جمهوری اسلامی ایران با ویتترین دفاع از ارزش‌های بشردوستانه و حمایت از معترضان به نتایج انتخابات به تصویب می‌رسد. این تحریم‌ها بیشتر اشخاص حقیقی و حقوقی وابسته به قوه قضائیه، سپاه پاسداران، صدا و سیما، وزارتخانه‌های کشور و فناوری اطلاعات و ارتباطات را هدف‌گیری کرده بودند. از طرفی برخی اشخاص حقیقی و حقوقی وابسته به وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی نیز در فهرست تحریم‌های حقوق بشری کنگره قرار می‌گیرند که پیش از آن سابقه نداشته بود.

معماران تحریم‌های حقوق بشری ایران در کنگره، در پیش نویس لوایح تحریمی خود بیشتر بر مواردی همچون نقض حقوق اقوام، اقلیت‌های دینی، حقوق زنان، فرقه‌های ضاله مانند بهائیت،

فقدان انتخابات دموکراتیک و نقض معاهدات بین‌المللی بشردوستانه مانند «عهدنامه بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی»^۱، «معاهده حذف تمام اشکال تبعیض نژادی»^۲ و «معاهده بین‌المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی»^۳ تأکید می‌کردند.^۴

الگوی کنش راهبردی ایالات متحده در روند دیپلماسی اجبار، معطوف به تشویق سایر بازیگران به اعمال تحریم و فشار اقتصادی بیشتر به جمهوری اسلامی ایران است (Cheraghlou, 2015: 18). در همین چارچوب، شدیدترین تحریم‌های کنگره آمریکا در بازه زمانی ۲۰۱۶-۲۰۰۹، در سال ۲۰۱۰ اعمال شد. دیپلماسی اجبار هنگامی از اثربخشی لازم برخوردار است که تحریم‌های یکپارچه و گسترده‌ای علیه بازیگر هدف، اعمال شود. بررسی سیر تطور تحریم‌های ایران نشان می‌دهد که از سال ۲۰۰۹ تا امضای برجام در ژوئیه ۲۰۱۵، آمریکا به همراه شرکای خود در اتحادیه اروپا و شرق آسیا، تحریم‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای منسجمی را علیه جمهوری اسلامی ایران به تصویب رساندند که از مصادیق آن می‌توان به ترتیب به تصویب تحریم نفت و بانک مرکزی ایران توسط کنگره آمریکا و پارلمان اروپا در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ اشاره کرد. از طرفی بررسی اسناد تحریم‌های آمریکا به خوبی نشان می‌دهد که راهبرد کنگره از سال ۲۰۱۰ به سمت تصویب قوانین جامع تحریمی متمایل می‌شود که به خوبی می‌توان آثار آن را در تصویب قانون سیسادا یا تمدید قانون آیسا تا سال ۲۰۲۶ مشاهده کرد.

با تصاعد ناآرامی‌های داخلی در سوریه، شکل‌گیری پدیده داعش در مجاورت سرزمینی ایران و حمایت آشکار آمریکا از مخالفان دولت قانونی بشار اسد، بخشی از تحریم‌های کنگره صدوسیزدهم (۲۰۱۴ - ۲۰۱۳)، به سمت تحریم‌های حقوق بشری برون مرزی معطوف می‌شود و برخی از کارگزاران نظام با ادبیات صیانت از حقوق شهروندان معارض سوری در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار می‌گیرند که از مصادیق آن می‌توان به تصویب قانون حقوق بشر سوریه و کاهش تهدیدات ایران اشاره کرد.^۵

فعالیت کنگره صدویازدهم (۲۰۱۰ - ۲۰۰۹) با گسترش همکاری‌های سیاسی و اقتصادی دولت دهم با کشورهای آمریکای لاتین هم‌زمان می‌شود. قانون‌گذاران آمریکایی همواره بر اساس اصل مونروئه، هر گونه حضور دشمن در حیات خلوت خود در آمریکای لاتین را به عنوان تهدید

1. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)

2. The Convention on the Elimination of all Forms of Racial Discrimination

3. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR)

۴. نک: <https://www.state.gov>

5. U.S. Congress, 2012

حیاتی علیه منافع آمریکا ارزیابی می‌کنند (Sexton, 2011: 259). به همین دلیل با ادعای مقابله با حضور ایران در نیم کره غربی و با اکثریت آرا، «لایحه مقابله با نفوذ ایران در امریکای لاتین»^۱ را به تصویب می‌رساند که در ۲۸ دسامبر ۲۰۱۲ با توشیح باراک اوباما، رئیس جمهور وقت آمریکا به قانون تبدیل می‌شود. در قسمت پنجم این قانون، وزارت امور خارجه آمریکا مکلف شده بود ظرف ۱۸۰ روز طرح راهبردی را برای آنچه که «حل مسئله حضور و گسترش فعالیت خصمانه ایران» در منطقه امریکای لاتین خوانده شده بود، تدوین کند. در این قانون از وزارت امنیت داخلی نیز خواسته شد نظارت بیشتری بر مرزهای آمریکا با کانادا و مکزیک داشته باشد تا از ورود عناصر سپاه قدس و حزب الله لبنان به خاک ایالات متحده آمریکا پیشگیری شود. به عبارتی از سال ۲۰۱۲، بخشی از دیپلماسی تحریم کنگره به سمت تدوین راهبردهای سیاسی - امنیتی بلندمدت در قبال جمهوری اسلامی ایران متمایل می‌شود (Humire, 2012: 183). از طرفی قانون‌گذاران آمریکا از سال ۲۰۱۰ و با تصویب قانون جامع تحریم‌ها، مسئولیت‌پذیری و محروم‌سازی ایران، محدودیت‌های گسترده‌ای را علیه بخش انرژی و بانکی ایران تصویب می‌کنند که تا پیش از آن سابقه نداشته است. نکته قابل تأمل این است که اتحادیه اروپا نیز همزمان واردات نفت از ایران را تحریم می‌کند. با توجه به وابستگی بالای بودجه سنواتی جمهوری اسلامی ایران به درآمدهای نفتی و از طرفی مقاوم نبودن اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در برابر تحریم‌ها، فشارهای اقتصادی و بانکی گسترده‌ای به ایران وارد می‌شود که تا پیش از آن سابقه نداشته است.

فعالیت کنگره صد و دوازدهم (۲۰۱۲ - ۲۰۱۱)، با توسعه بومی فعالیت‌های موشکی و فضایی جمهوری اسلامی ایران همزمان می‌شود. از سال ۲۰۱۲ همین دلیل، بخشی از سبد تحریم‌های کنگره به سمت تحریم قرارگاه و صنایع موشکی وزارت دفاع، سپاه پاسداران و ستاد کل نیروهای مسلح تمرکز می‌یابد.

می‌توان نتیجه گرفت که تا پیش از برجرام، شعاع و تراکم تحریم‌های کنگره به حدی گسترده شده بود که تمامی نهادهای اقتصادی، بانکی، پولی و تجاری را هدف‌گیری کرده بود. به عبارتی تحریم‌ها نتوانسته بودند بخش‌های موشکی و هسته‌ای را تحت تأثیر قرار دهند زیرا جمهوری اسلامی ایران با مقاوم‌سازی و بومی‌سازی صنایع موشکی و هسته‌ای با وجود شرایط تحریم، توانسته بود به توسعه خود ادامه دهد. بر عکس به دلیل مقاوم نبودن اقتصاد کشور در برابر تحریم‌ها، بیشترین فشار بر این بخش وارد شد. در نتیجه مهم‌ترین سلاح راهبردی کنگره تا قبل از برجرام به سمت تغییر رفتار

هسته‌ای ایران با اهرم‌های جنگ اقتصادی معطوف شده بود. قانون‌گذاران امریکایی بر این باور بودند که، هوشمندسازی تحریم‌های انرژی، بانکی و اقتصادی و ریل‌گذاری سیاست‌های کنگره در قالب نظریه دیپلماسی اجبار مهم‌ترین عامل وادارسازی ایران به میز مذاکرات بود.

روند کاوی تحریم‌های کنگره آمریکا در دوران پسابرجام

پایش و بررسی مفاد لوایح تحریمی مرتبط با ایران در کنگره نشان می‌دهد که قانونگذاران امریکایی در دوران پسابرجام، اهداف استراتژیک زیر را در اولویت قرار داده‌اند:

* تجمیع لوایح تحریمی شناور به قوانین جامع تحریمی

در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، بخشی از سیاست‌های تحریمی کنگره از طریق تجمیع لوایح مسکوت و شناور به قوانین جامع پیگیری می‌شود. لوایح شناور به لوایحی اطلاق می‌شوند که در مرحله بررسی در کمیته‌های دائمی کنگره‌اند. با توجه به اینکه بیش از ۵۰ لایحه تحریمی مرتبط با ایران در کمیته‌های دائمی کنگره در حال بررسی‌اند، تصویب تحریم‌های جامع و مادر در اولویت سیاست‌های تحریمی کنگره آمریکا قرار گرفته است که از مصادیق آن می‌توان به تصویب «لایحه مقابله با دشمنان آمریکا به وسیله تحریم‌ها»^۱ اشاره کرد که از تجمیع چهار لایحه تحریمی در حال بررسی در کنگره حاصل شد (Killic, 2017: 3).

تمدید قانون تحریم‌های ایران تا سال ۲۰۲۶ نیز در زمره قوانین تحریمی مادر محسوب می‌شود که در مفاد آن بر تحریم‌های موشکی، تروریستی و حقوق بشری اشاره کرده است (Katzman, 2017: 9).

* گسترش شعاع تحریم‌های سپاه پاسداران

انونگذاران کنگره در دوران پسابرجام با گنجانیدن فرامین اجرایی رؤسای جمهور آمریکا در پیش نویس لوایح تحریمی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران، شعاع تحریم‌های سپاه پاسداران را گسترش داده‌اند. این اقدام با هدف کاهش اختیارات رئیس جمهور آمریکا برای چشم‌پوشی از برخی تحریم‌ها انجام می‌شود. بیشترین تحریم‌های سپاه پاسداران با ارجاع به ۳ فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴، ۱۳۴۳۸ و ۱۳۵۷۳ اعمال شده‌اند.^۲ بخش دیگری از اقدامات خصمانه کنگره، از طریق متهم‌سازی سپاه پاسداران به مداخله در امور داخلی سایر کشورها پیگیری می‌شود که به وضوح

1. Countering America's Adversaries Through Sanctions

۲. نک: <https://www.whitehouse.gov>

می‌توان مصادیق آن را در «لایحه پیشگیری از بی‌ثبات سازی عراق و سوریه» مشاهده کرد.^۱

* متراکم سازی تحریم‌های موشکی

یکی دیگر از سیاست‌های آتی کنگره، تصاعد هزینه‌های سیاسی و مالی ایران برای توسعه صنایع موشکی و ماهواره‌ای است. برای مثال در بخش چهارم قانون مقابله با دشمنان آمریکا به وسیله تحریم‌ها، رئیس‌جمهور مکلف شده است با استناد به قانون اختیارات اقتصادی در شرایط اضطراری بین‌المللی، دارایی شرکت‌های کمک کننده به فعالیت‌های موشکی ایران را مسدود کند. مصداق دیگر می‌توان به طرح «لایحه تحریم‌ها و پیشگیری از موشک‌های بالستیک ایران» اشاره کرد. در صدر لایحه مذکور تصریح شده است:

«وزارت خزانه‌داری باید به تحریم اشخاصی که به انتقال یا واردات تسلیحات متعارف پیشرفته یا موشک‌های بالستیک یا فناوری، قطعات و اطلاعات فنی به ایران نقش دارند، مبادرت کند».^۲

قانونگذاران آمریکایی در دوران پسابرجام با انعکاس اخبار انحرافی و بزرگ‌نمایی تهدید موشکی ایران، حمایت تقنینی خود را از استقرار سامانه‌های موشکی آمریکا در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، شرق آسیا و شرق اروپا با ادعای مقابله با موشک‌های بالستیک ایران اعلام کرده‌اند.^۳

در قسمت ۲۰۲ «لایحه مسئولیت‌پذیری ایران» تصریح شده، اشخاص و نهادهایی که پیش‌بینی می‌شود در توسعه موشک‌های بالستیک ایران مشارکت داشته باشند، در فهرست تحریم‌ها قرار گیرند. این امر نشان می‌دهد که ادبیات تحریمی جدیدی در کنگره در حال شکل‌گیری است که در آن با اهرم امنیت پیش‌دستانه، شعاع تحریم‌های موشکی ایران در آینده گسترش می‌یابد (McCarthy, 2016: 15).

* گسترش شعاع اتهام‌های مرتبط با پولشویی

یکی از حوزه‌هایی که همچنان در صدر سیاست‌های تحریمی کنگره است، مقابله با پولشویی می‌باشد. بررسی سیاست‌های تحریمی آمریکا نشان می‌دهد که قانونگذاران آمریکا با ادعای مقابله با پولشویی و انتقال تسلیحات به گروه‌های به اصطلاح تروریستی، کارشکنی برای فروش هواپیماهای مسافربری را همچنان ادامه می‌دهند که به وضوح می‌توان نشانه‌های آن را در «لایحه

۱. نک: <https://projects.propublica.org>

۲. نک: <https://www.govtrack.us>

۳. نک: <http://www.aipac.org>

ممنوعیت کمک بانک صادرات و واردات امریکا برای تروریسم» و «لایحه ممنوعیت وزارت خزانه داری از صدور برخی مجوزها در ارتباط با صادرات یا صادرات مجدد هواپیمای مسافری تجاری به ایران» مشاهده کرد. در «لایحه شفافیت منابع مالی تروریسم ایران» نیز رئیس جمهور امریکا متعهد شده است که افراد تحریم شده را از فهرست خارج نکند مگر اینکه برای کنگره تأیید کند که شخص و نهاد مذکور به صورت دانسته به یک سازمان تروریستی یا در حمایت از تروریسم، کمک مالی، مادی و فناوریانه^۱ نکرده است.

* ایجاد پرونده‌های جدید حقوق بشری در دادگاه‌های امریکا

خشی از حوزه‌های مناقشه انگیز ایران و امریکا که تهدیدات نوینی برای انتفاع اقتصادی - تجاری ایران در دوران پسابرجام به وجود می‌آورد، گشایش پرونده‌های جدید قضایی علیه ایران در دادگاه‌های امریکا برای اخذ غرامت از ایران است. در آینده نه چندان دور بخشی از تنش حقوقی ایران و امریکا به سمت تقابل قضایی متمایل می‌شوند که به صورت غیرمستقیم با بلوکه‌سازی درآمدها و اموال ایران، انتفاع اقتصادی ایران در دوران پسابرجام را با چالش‌هایی مواجه می‌سازد. برای مثال در «لایحه اجرای عدالت برای گروگان‌های سابق امریکا در ایران»^۲ تصریح شده است:

"ایران باید بابت گروگان‌گیری کارکنان سفارت امریکا در ایران در فاصله زمانی سوّم نوامبر ۱۹۷۹ تا بیستم ژانویه ۱۹۸۱ به کارکنان سفارت و خانواده‌های آنان غرامت پرداخت و به هریک از کارکنان برای هر روز گروگان‌گیری، مبلغ ۱۰ هزار دلار پرداخت کند."^۳

نتیجه‌گیری

مهمترین نتایج حاصل از این تحقیق عبارتند از:

- قانون‌گذاران کنگره صدوپانزدهم بر این باورند که تداوم فشار بر گلوگاه اقتصادی و بانکی ایران از طریق هوشمندسازی و انباشته‌سازی تحریم‌های غیرهسته‌ای، در نهایت ایران را به سمت تغییر سیاست‌های موشکی و منطقه‌ای وادار می‌سازد. بر اساس مبانی نظری دیپلماسی اجبار، امریکا حداقل در میان مدت وارد گزینه نظامی نمی‌شود ولی چماق آن را همچنان به عنوان یک عامل

۱. نک: <https://www.gop.gov>

2. S. 868: Justice for Former American Hostages in Iran Act of 2015

۳. نک: <https://www.foreign.senate.gov>

تنظیم کننده فشار بر ایران حفظ می‌کند. از طرفی، کاخ سفید به سمت سرشکن‌سازی هزینه‌ها متمایل می‌شود، به طوریکه بخشی از هزینه‌های مواجهه با ایران را با کنگره و اتحادیه اروپا تقسیم می‌کند. در نتیجه در دوران پسابرجام و در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، نقش کنگره در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران پررنگ‌تر می‌شود.

امریکا بر این باور است که گسترش بُرد و دقت موشک‌های بالستیک ایران، افزایش حضور سپاه قدس در سوریه و حمایت ایران از حزب الله، دغدغه‌های مشترک آمریکا و اتحادیه اروپا محسوب می‌شوند. به همین دلیل آمریکا در چارچوب دیپلماسی اجبار به دنبال آن است با تدوین استراتژی مشترک با اتحادیه اروپا، تحریم‌های غیر هسته‌ای هماهنگی را، علیه ایران اتخاذ کنند. پایش پازل‌های رفتاری آمریکا نشان می‌دهد که واشنگتن گزینه اصلاح برجام و گنجاندن برخی تبصره‌های سخت‌گیرانه به برجام را دنبال می‌کند. اصلاحات برجامی بیشتر به سمت نظارت بر مراکز نظامی، اعمال محدودیت‌های موشکی و دائمی کردن محدودیت‌های غنی‌سازی تمرکز یافته‌اند.

دولت ترامپ با بلند کردن چماق بازگشت تحریم‌های هسته‌ای و گنجاندن سپاه پاسداران به فهرست سازمان‌های تروریستی وزارت خارجه، گزینه تغییر سیاست‌های موشکی و منطقه‌ای ایران را در دستور کار قرار داده است. دولت و کنگره آمریکا بر این باورند که با توجه به وابستگی بالای بودجه سناتی و طرح‌های عمرانی ایران به صادرات نفت و گاز، در صورتی که هزینه‌های تحریم چنان بالا رود که باعث فلج‌سازی شریان‌های اقتصادی و بانکی ایران شود، تهران ناچار است با برآورد هزینه‌ها، امتیازاتی را به حامیان تحریم بدهد. هم‌زمان دولت ترامپ از طریق متحدان اروپایی و منطقه‌ای، سیگنال‌هایی را به ایران ارسال کند که اولویت آمریکا منحصر به تغییر رفتار است. در راهبرد دیپلماسی اجبار آمریکا، نقش واسطه‌ای اتحادیه اروپا برای مدیریت تنش بین واشنگتن و تهران تقویت خواهد شد. واشنگتن بر این امر اذعان داد که حفظ بازار آمریکا برای اتحادیه اروپا بسیار مهم‌تر از ایران است، به طوری که بررسی رفتار شرکت‌های اروپایی نشان داده است که آنان جریمه‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا را پرداخت کرده‌اند ولی حاضر به قطع روابط تجاری و اقتصادی با آمریکا نشده‌اند.

با توجه به گزاره‌های بالا، جایگاه تحریم در سیاست خارجی دولت ترامپ و کنگره صدوپانزدهم برجسته‌تر می‌شود و نقش تنظیم‌کنندگی رفتار ایران را بازی می‌کند. از طرفی معماران تحریم کنگره با استناد به آثار قانون سیسادا بر این باورند که پاشنه آشیل ایران در اقتصاد

نهفته است. به همین دلیل هرچند روبنای تحریم‌ها، به سمت مقابله با دستاوردهای موشکی یا نفوذ منطقه‌ای تمرکز یافته ولی زیربنای تحریم‌های کنگره، نهادهای بانکی، مالی و تجاری را هدف گیری می‌کند. در نتیجه قرائن نشان می‌دهند هوشمندسازی جنگ اقتصادی و ارزی در صدر دیپلماسی اجبار آمریکا می‌گیرد. نئوکان‌های کنگره مدعی‌اند هرگونه محدودسازی دستیابی ایران به ارزهای قوی، روند توسعه موشک‌های بالستیک و توسعه نفوذ ایران در منطقه را کند می‌کند.

ادبیات جدیدی در راهبرد دیپلماسی اجبار کنگره آمریکا در قبال ایران در حال نهادینه شدن است که از آن با عنوان «دیپلماسی تقنینی پیش‌دستانه» نام می‌برند. در این راهبرد به منظور مقابله بازدارنده با تهدیدهای احتمالی ایران، تحریم‌های پیش‌دستانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران می‌شود. برای مثال بخشی از تحریم‌های کنگره علیه سپاه پاسداران با ادبیات مقابله پیش‌دستانه با تثبیت هلال شیعه در ژئوپلیتیک غرب آسیا اعمال شده‌اند. این رویکرد در ادبیات تحریمی نئوکان‌های کنگره از بروز بیشتری برخوردار است.

- کنگره به منظور ارباب شرکت‌های بزرگ اقتصادی و بانکی برای سرمایه‌گذاری در ایران، شعاع تحریم‌های مرتبط با پول‌شویی را گسترش می‌دهد.

- بررسی مفاد لوایح مطروحه مرتبط با ایران در کنگره نشان می‌دهد که قانون‌گذاران امریکایی با سوارشدن بر امواج صیانت از امنیت، ثبات و صلح منطقه‌ای، به دنبال آن هستند که تا محدودیت‌هایی را برای تداوم رزمایش‌های موشکی سپاه پاسداران اعمال کنند.

- با ارباب کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از ماهیت و اهداف برنامه‌های موشکی و فضایی ایران، بستر مساعدی برای استقرار سامانه‌های موشکی یکپارچه آمریکا در خلیج فارس با هزینه کشورهای عرب منطقه فراهم می‌شود.

- با گسترش تحریم‌های غیرهسته‌ای کنگره، بار روانی و ریسک شرکت‌های بزرگ تجاری و اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در ایران افزایش یافته. این امر به صورت مستقیم محدودیت‌هایی را برای توسعه دیپلماسی بانکی، تجاری و اقتصادی ایران در دوران پسابرجام به وجود آورده که بخش C مواد ۲۶، ۲۸ و ۲۹ برجام را به صراحت نقض می‌کند.

در نتیجه کنگره آمریکا در چارچوب دیپلماسی اجبار، با متراکم‌سازی و هوشمندسازی تحریم‌های غیرهسته‌ای و با هدف تحدید انتفاع اقتصادی و بانکی ایران در دوران پسابرجام، گزینه تغییر سیاست‌های موشکی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را در دستور کار دارد.

پیشنهادها

- به منظور مقابله با سیاست‌های تحریمی کنگره آمریکا، توصیه می‌شود تدابیر و اقدامات ذیل مورد توجه نهادهای ذی ربط قرار گیرد:
- یکی از تبعات گسترش تحریم‌ها، ایجاد و انتقال شوک‌های روانی به کشور در دو بخش نظام پولی و امنیت سرمایه‌گذاری است. به همین دلیل توصیه می‌شود بخشی از دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران به سمت مهار شوک‌های روانی تحریم بر بخش‌های ارزی و پولی کشور سازماندهی شود.
 - یکی از مهمترین اهداف معماران تحریم ایران، اخلال در فرآیند ترمیم روابط سیاسی - اقتصادی ایران با اتحادیه اروپاست. به همین دلیل توصیه می‌شود در نقشه راه ۴ ساله دیپلماسی پارلمانی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، تدوین مدالیته پارلمانی و سیاست خارجی ایران و اتحادیه اروپا بر اساس اهداف و منافع مشترک در اولویت قرار گیرد.
 - تعهد ایران به اجرای برجام، یکی از برگ‌های برنده ایران برای به چالش کشاندن سیاست‌های تحریمی دولت و کنگره امریکاست. به همین دلیل یکی از اهداف معماران تحریم ایران، تحریک تهران به اتخاذ دیپلماسی هیجانی و خروج از برجام است. به همین دلیل متولیان امر باید تدوین تدابیر بازدارنده در هر ۳ بخش فنی، سیاسی و دفاعی/امنیتی در دستور کار قرار دهند که علاوه بر ارائه پاسخ مقنندرانه، نقض برجام نیز نباشد.
 - آمریکا به هیچ وجه مایل نیست در سطح افکار عمومی به عنوان ناقض برجام متهم شود. در نتیجه بخشی از دیپلماسی عمومی ایران لازم است به سمت طرح موارد نقض برجام از طرف آمریکا متمرکز شود.
 - در هر ۳ موضوع فعالیت‌های بی‌ثبات کننده، حقوق بشر و تروریسم، تفسیرهای ایران و آمریکا متفاوت است که این موضوع محدودیت‌هایی را برای رفع کامل تحریم‌ها به وجود آورده است. به همین دلیل به نظر می‌رسد در آینده، فهرست موارد اختلافی به کمیسیون مشترک برجام گسترش یابد. در نتیجه لازم است ترکیب و راهبرد منسجمی برای تقویت حضور هیأت‌های ایرانی در این کمیته باشد تا از تحدید انتفاع اقتصادی و سیاسی (ترمیم و توسعه روابط با سایر کشورها) در دوران پسابرجام پیشگیری شود.
 - طراحان لوایح تحریمی با پیروی از «اصل رقیق‌سازی منافع برجام» و «افزایش هزینه‌های منطقه‌ای ایران» برنامه‌ریزی می‌کنند انتفاع اقتصادی و مالی ایران در دوران پسابرجام را به حداقل

کاهش دهند. این امر اهمیت ارزیابی واقع‌گرایانه از ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی را دو چندان می‌کند. به همین دلیل لازم است، تدوین «برنامه جامع توسعه دیپلماسی اقتصادی» در دستور کار معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه قرار گیرد.



منابع

الف - فارسی

- اسدی، ناصر، (۱۳۹۰)، *دیپلماسی اجبار (بررسی مقایسه‌ای سیاست ایالات متحده در قبال عراق، لیبی و ایران)*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- دلاورپور اقدم، مصطفی، (۱۳۹۴)، *اهداف و ماهیت تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سازمان بسیج حقوق دانان.
- دلاورپور اقدم، مصطفی، (۱۳۹۶)، *فرصت‌ها و چالش‌های پسابرجام، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.*
- ظریف، محمد جواد، (۱۳۹۱)، *دیپلماسی چندجانبه*، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- علیخانی، حسین، (۱۳۷۸)، *تحریم ایران؛ شکست یک سیاست*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.


ب - انگلیسی

- Alterman, Jon B, (2003), *Coercive Diplomacy against Iraq*, Washington: Center for Strategic and International Studies publication.
- Art, Robert J, (2003), *The United States and Coercive Diplomacy*, Endowment of the United States Institute of Peace.
- Bruce, Jentleson, (2016), *Coercive Diplomacy: Scope and Limits in the Contemporary World*. Muscatine: The Stanley Foundation.
- George, Alexander L, (1992), *Forceful Persuasion: Coercive Diplomacy as an Alternative to War*. Washington: Endowment of the United States Institute of Peace.
- Humire Joseph M. Ilan Berman, (2012), *Irans Strategic Penetration of Latin America*, New York: National Defence and Foreign Trade Minister of Colombia.
- Katzman, Kenneth, (2009), *Iran Sanctions* , Washington: *Congressional Research Service Quarterly*, No. 64.
- Katzman, Kenneth, (2017), *Iran Sanction* , Washington: *Congressional Research Service Quarterly*, No. 83.
- Killic, James, (2017), *US Enacts Countering America's Adversaries Through Sanctions Act Expanding*, Washington: Whitehouse Publication.

- McCarthy, Kevin, (2017), *Iran Accountability Act*. Washington: Congree Library Press.
- Mcinnis, Mathew, (2015), *Iran and Nuclear Deal*, Washington: American Enterprise Institute.
- Sechser, Todds S, (2017), *Nucler Weapons and Coercive Diplomacy*, Cambridge University, London, United Kingdom.
- United States Congress, (2012), *Iran Threat Reduction and Syria Human Rights*, U.S, Library Congress , Washington: *Hill Quarterly*, No. 8.
- Afrasiabi, Kaveh, (2012), *Iran Phobia and US Terror Plot: A Legal Deconstruction*, *New York: CreateSpace Independent Publishing Platform, Defence Quarterly*, No. 2.
- Bruce W. Jentleson and Christopher a Whytock, (2005), *Who Won Libya? Duke University , International Security Quarterly*, Vol.3, No.5.
- Cheraghlou, Ebrahim, (2015), *The Limits of Coercive Diplomacy in Iran*, Maryland University Press.
- Fayazmanesh, Sasan, (2008), *Unitsd States and Iran: Sanctions. Wars and the Policy of Dual Containment*, London, Routledge Publication.
- Hass, Michael, (2012), *International Human Rights: A Comprehensive Introduction*, London: Routledge Press.
- Helms, Jesse, (1999), *What Sanctions Epidemic* , Washington: *Foreign Affairs Quarterly*, Vol.4, No.5.
- <https://www.gop.gov/bill/h-r-3662-iran-terror-finance-transparency-act>.
- Ilias, Shayerah, (2010), *rhn Economic Conditions: U.S. Policy Issues* , *Congressional Research Service Quarterly*, Vol.2, No.6.
- Nacos, Brigitte, (1994), *Terrorism and the Media*, Columbia University Press.
- Pifer, Steven, (2017), *Congress, Russia & Sanctions* , Washington: Brookings Press, *Disarmament Quarterly*, Vol.2, No.4.
- Selden, Zachary, (1999), *Economic Sanctions as Instruments of America Foreign Policy*, Washington: Library of Congress Press.
- Sexton, Jay, (2011), *The Monroe Doctrine: Empire and Nation in*

Nineteenth-Century America, Farrar, Straus and Giroux Publication.

- Zarate, Juan, (2013), *Treasurys War: The Unleashing of a new Era of Finantial Warfare*, California: Public Affairs Press.
- <http://www.aipac.org/-/media/publications/policy-and-politics/legislative-action/2017/the-iran-ballistic-missiles-and-international-sanctions-enforcement-act.pdf>.
- <https://www.foreign.senate.gov/imo/media/doc/Isakson%201%20-%20Iran%20Hostages.pdf>.
- <https://www.treasury.gov/about/organizational-structure/offices/Pages/Office-of-Terrorism-and-Financial-Intelligence.aspx>.
- <https://projects.propublica.org/represent/bills/115/s138>.
- <https://www.state.gov/r/pa/prs/ps/2017/05/270925.htm>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی